

خانه امن واقعا وجود دارد

تهمینه میلانی کارگردان سینمای ایران بعد از چهار سال با یک اثر جدید به سینما بازگشته است. میلانی در تازه‌ترین ساخته خود «ملی و راه‌های نرفته‌اش» بازم به مشکلات اجتماعی با تاکید بر رفتارهای که با زنان می‌شود، پرداخته است. موضوع اصلی آخرین ساخته تهمینه میلانی خشونت خانوادگی است همزمان با اکران این فیلم در ایران و کانادا با او گفت‌وگو کرده‌ایم.

فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش خشونتی شبیه به آنچه در بچه‌های طلاق ارائه داده‌اید، دارد. انگار که جوان ملی و راه‌های نرفته‌اش همان کودک بچه‌های طلاق است. فیلم دو خشونت را نشان می‌دهد. انگار ما با یک نوع رفتار خشن خوب و یک رفتار خشن بد مواجه هستیم. رفتاری که خانواده ملیحه (ماهور الوند) با وی انجام می‌دهند به نظر رفتار مثبتی می‌آید تا اجازه ندهند وی با کسی ازدواج کند که اصلاً همسر ایده‌آلی نیست؟

رفتار خانواده ملی و مخالفت آنها با ازدواج او، نشان کمی از علاقه و بیشتر مخالفت با موقعیت اقتصادی و اجتماعی سیامک دارد. آنجا سیامک را در شان خود نمی‌دانند. عقاید، خواست و نیاز ملیحه در خانواده خود اهمیتی ندارد و برای همین مصلحت او در نظر گرفته می‌شود. او همانند دختران هم طبقه‌ی خودش، باید از نظرات بزرگ‌ترها اطاعت کند و وظیفه‌ی خانه‌داری را بر دوش بکشد و اگر خطایی از او سر زد، تنبیه شود. ملی بدون هیچ تبحری در زندگی، قصد تغییر این شرایط را دارد، برای همین زمانی که با سیامک آشنا می‌شود، تصمیم می‌گیرد همسر او شود تا خود را از شر باید و نبایدهای خانواده و مشقت و لگدی که گه‌گداز نصیبش می‌شود رهایی یابد، غافل از آنکه بیرون از خانه هم ممکن است شرایط ایده‌آل نباشد. این رفتاری است که بسیاری از زنان که در محیط‌های بسته بزرگ می‌شوند و خودباوری و اتکا به نفس کافی ندارند، از خود نشان می‌دهند. همانند «نیر» که برای فرار از محیط خشن خانه، با مردی بی‌آزار، افسرده و کم هوش ازدواج کرده است.

خشونتی که خانواده ملی و نیر به آنها روا می‌دارند ناشی از کلیشه‌های تربیتی و تعصب کوراست. مراقبت سختگیرانه از موجودی که می‌تواند آبروی خانواده را به باد بدهد! با همین منطق او را زیر کنترل شدید قرار می‌دهند. یکی از مخاطبین اصلی این فیلم دخترانی با شرایط ملی و نیر است. ما به آنها هشدار می‌دهیم که تصور نکنند که اگر با هر راهکاری از محیط تنگ خانه بگریزند، لزوماً موقعیت بهتری می‌یابند.

فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» نمایشی است از چاله به چاه افتادن، که تنها فرد تصمیم‌گیرنده مقصر نیست، بلکه عوامل متعددی این موقعیت تلخ را رقم می‌زنند و در نهایت دود آن به چشم همه‌ی افراد خانواده و البته جامعه می‌رود.

خشونتی که در فیلم نشان داده می‌شود بسیار آزاردهنده و عریان است چرا به سمت این حجم از خشونت و اثرات آن رفتید؟

احتمالاً منظورتان حس خشونت و عواقب آن است، وگرنه ما در فیلم، صحنه خشن نداریم و به طور مستقیم خشونت را به نمایش نمی‌گذاریم.

فکر می‌کنم معصومیت و مظلومیت ملی که دختری پذیرنده با سقف آرزوهای کوتاه است، این حس را در شما به وجود آورده است و این عالی است. همانطور که دیدید ما کتک خوردن و یا ضرباتی که به بدن ظریف او فرود می‌آید را نمایش نمی‌دهیم. و فقط آثار ناشی از این رفتار خشونت‌آمیز به تصویر می‌کشیم. حتی در آفرینش درام هم مراقب بودیم اغراقی صورت نگیرد و به قول معروف با نمایش اشک و آه، اشک شما جاری نشود، بلکه با درک شرایط ناگزیر ملی و شکسته شدن روح و جسم یک انسان بی‌پناه، درام شکل بگیرد و شما را به فکر وادارد و لازمه‌ی آن حس علاقه‌ی تماشاگران به شخصیت ملی بود که خوشبختانه موفق شدیم.

شما بعد از ساخت فیلم بچه‌های طلاق به سمت آثار دیگری همچون «آتش بس» و «دو زن» گرایش پیدا کردید؛ اما بعد از سال‌ها دوباره فیلمی را ساختید که درون‌مایه آن خشونت خانوادگی است. با توجه به اینکه برای بیشتر فیلم‌های خود پژوهش می‌کنید آیا همچنان معتقدید که مسئله خشونت خانوادگی بسیار مهم است؟

البته فیلم‌های «دو زن»، «واکنش پنجم» و «زن زیادی» هم نمایشی از خشونت است، اما نه خشونت فیزیکی. بلکه خشونتی که ردی بر جای نمی‌گذارد. همچنین موضوع فیلم «نیمه پنهان» هم خشونت اجتماعی و سیاسی است.

به دلایل بسیار و در دوره‌های متفاوت، مسولین وزارت ارشاد مانع از ساخت فیلم‌هایی با محوریت زنان شدند و راه مرا سد کردند. چندین فیلمنامه نوشتیم که به آنها پروانه ساخت ندادند، به ناگزیر به علایق ثانویه روی آوردیم و فیلم‌هایی همچون «سوپراستار» و «آتش بس» را ساختیم. البته نمی‌خواهم بگویم «آتش بس» یا «ها یا» سوپراستار «را دوست ندارم. آنها فیلم‌های قابل توجهی هستند، که هم به لحاظ نگارش و

هم ساخت، فیلم‌های سختی بودند و من بسیار دوستشان دارم اما الویت من، ساخت فیلم درباره‌ی زنان است.

مسائل اجتماعی یک شبه رخ نمی‌دهد و یک شبه نیز به ذهن من راه پیدا نمی‌کنند. در طول زندگی روزمره، با مطالعه کتب مختلف، رسانه‌ها، تحقیقات و تماسهایی که مردم با من می‌گیرند با مشکلات اجتماعی آشنا تر می‌شوم. هر مشکل اعم از حضانت، خشونت، بدسرپرست و... به صورت دسته‌بندی شده در کامپیوتر و البته ذهن من جای می‌گیرد. همچنین برای هر موضوعی تقریباً تحقیقات و بررسی‌های جداگانه‌ای را به صورت مکتوب و شفاهی جمع‌آوری می‌کنم. از میان این تحقیقات ناگهان قصه‌ای خودش را به من تحمیل می‌کند که نتیجه آن می‌شود فیلم دو زن یا واکنش پنجم یا فیلم‌های دیگر.

فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش نیز از دل همین مطالعات به وجود آمد. و با آنکه به نظر دشوار می‌آمد اما مرا رها نکرد.

چرا دشوار؟

ساخت فیلم درباره زنان آسیب‌دیده همچون زنان معتاد، خیابانی و روسپی یا حتی یک زن کارآفرین سخت نیست، زیرا ویژگی‌های داستانی و دراماتیک دارد. اما ساخت فیلم درباره زن خانه‌دار و زن نجیب خانه خیلی سخت است. چون این نوع زنان از لحاظ شخصیتی اوج و فرود کمی دارند.

ما در فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش مشکلات کوچک و کمرنگ زنان خانه‌دار را کنار هم قرار داده‌ایم تا رشد پلکانی شخصیت او و خشونت‌هایی که ابعادش بزرگ‌تر می‌شود را به نمایش بگذاریم. از توهین کلامی وقتی سیامک او را خنگ صدا می‌زند یا می‌گوید: من عاشق چشم‌های خنگ تو هستم، همچنین قطع ارتباط با خویشان و دوستان ملی و سرانجام خشونت فیزیکی. تا جایی که ملی دست به شکایت می‌زند تا همسرش را خاطر خشونت فیزیکی به زندان بفرستد.

تا پیش از این، نوع خشونت سیامک ناپیدا بود و مدرکی به جا نمی‌ماند، اما اینبار با کبودی و شکستگی داستان تغییر می‌کند و این سؤال را به وجود می‌آورد که چرا قانونگذار برای شکستن قلب و روح انسان‌ها ارزشی قائل نیست؟ در ادامه با تنبیه شدن سیامک، او شکل خشونت خود را تغییر می‌دهد. اینبار با نادیده گرفتن و بی‌توجهی به ملی که باز هم ردی به جای نمی‌ماند. معتقدیم که این نوع از خشونت که شکل پیچیده‌تری از خشونت فیزیکی دارد گرچه نمایشی نیست، اما تاثیرات بسیار مخرب‌تری دارد. همچنین خشونت‌های جاری در جامعه که ممکن است رد فیزیکی به جا نگذارد اما تأثیر مخربی دارد.

نگاهی به دور و بر خود بیاندازید. وقتی در خیابان، مردی در حال رانندگی به به زنی که رانندگی می‌کند، می‌گوید: «زنیکه چه کسی به تو گواهینامه داده؟! «خشونت است. او بی‌آنکه به عواقب کلام خود فکر کند، روح زنی را که نمی‌شناسد، آزرده می‌کند.

آیا خشونتگر متعلق به طبقه خاصی است؟

البته که نه. او می‌تواند باسواد یا بی‌سواد باشد. ثروتمند یا فقیر، مذهبی یا غیرمذهبی. حتی می‌تواند پدر خوبی باشد اما همسر خود را کتک بزند.

از نظر شما چرخه این خشونت هیچ راه فرار و پایانی برای کسی که اعمال خشونت می‌کند، ندارد؟

اگر در چرخه‌ی خشونت گرفتار شوید، احتمال ناچیزی وجود دارد که از آن خلاص شوید. مگر آنکه با آگاهی از خودتان و دلایل خشونت، قصد پایان دادن به آن را داشته باشید. خشونتی که سیامک (میلاد کی‌مرام) انجام می‌دهد از روی قصد نیست بلکه داده‌هایی که از دوران کودکی وارد ذهن او شده؛ او را فرد خشنی بار آورده است. اگر دقت کنید در چند صحنه از فیلم، سیامک قصد ندارد همسرش را بزند و به همین منظور به خودزنی روی می‌آورد اما باز هم در نهایت موفق نیست و به خشونت متوسل می‌شود.

من با نظر آقای ریسی موافقم که اگر کسی که خشونت می‌کند، نداند که باید برای آن تاوانی بدهد، قطعاً به رفتار خشن خود ادامه می‌دهد زیرا این روش را برای خود روش درستی می‌داند.

اما رفتار این فرد فقط در خانه خشن نیست آیا نباید چنین فردی با خود بیاندیشد که چرا این میزان خشن است؟

وقتی خشونت در فرد نهادینه شود، فرد تصور می‌کند که روش او درست است و همان روش را دنبال می‌کند. سیامک در ناخودآگاه خود روش پدر را دنبال می‌کند. او نه تنها رفتارهای خشونت‌آمیز خانواده، بلکه تمامی اعمالی که انجام می‌دهد، از آنها یاد گرفته است. حتی تعریف عشق نیز برای وی همان تعریفی است که از پدر و مادرش آموخته است. راه فرار از این چرخه خشونت بستگی مستقیم با این مساله دارد که خشونتگر چه کسی است برای حل این مشکل چه میزان آگاه است. فرد خشن باید ابتدا بپذیرد که این رفتار غلط است و بخواهد که به خود و خانواده و اصلاح رابطه با آنها کمک کند. در غیر اینصورت اگر این مساله را یک امر عادی بداند طبیعی است که هیچ حرکت اصلاحی نخواهد داشت.

چه میزان خشونت‌ی که امروز در جامعه وجود دارد ریشه در مشکلات اقتصادی دارد؟

از دید من، نمی‌توان مسائل اقتصادی را دلیل اصلی خشونت خانگی دانست. اما خشونت‌های اجتماعی را چرا؟ به‌ویژه از زمانی که فاصله طبقاتی رو به افزایش گذاشته است، خشونت در سطح شهر بسیار بیشتر دیده می‌شود. اما فراموش نباید کرد افرادی هم وجود دارند که از لحاظ شغلی و موقعیت اقتصادی مشکلات بسیاری دارند، اما به دلیل آموزه‌های درست کودکی، رفتار خوبی با جامعه و خانواده‌های خود دارند و فادرنند مسائل را از هم تفکیک کنند. مثال عملی و علمی این مساله رفتاری است که ما در محیط‌های کاری و در خانواده انجام می‌دهیم. اغلب ما در محیط کار در برابر خواست‌های گاه زورگویانه روسای خود حتی اگر دستور درستی نباشد گرچه حس بدی داریم، اما تمکین می‌کنیم و هیچ چیز نمی‌گوییم. اما ممکن است در برابر فرزند خود چنین رفتاری نداشته باشیم. یعنی در مقابل فرادست خشم خود را کنترل می‌کنیم و در مقابل فرودست آن را رها می‌کنیم. پس نتیجه می‌گیریم که گرچه احساس قابل کنترل نیست، اما خشم کاملاً قابل کنترل است. بسیاری از رفتارهای خشن اجتماعی، ریشه در مشکلات اقتصادی ندارد بلکه غالباً ریشه در تربیت نادرست و در قوانین تبعیض آمیز حقوقی دارد که غیرقابل انطباق با زندگی امروز است. وقتی قانون به شکلی کاملاً یک طرفه بیشترین حقوق را به مرد داده است و اگر حقی برای زن قائل شده است، آن را به‌صورتی طراحی کرده است که موقعیت فرادست داشته باشد، برای خشونت خط پایانی نمی‌بینم.

منظورتان چیست؟

حقوقی که قانونگذار برای زن در ازدواج در نظر گرفته است همچون مهریه، نفقه، مسکن و ... به شکلی است که موجب می‌شود مرد همیشه در موقعیت فرادست قرار بگیرد. این نگرش به صورت اتوماتیک به مرد قدرت مالکیت زن را می‌دهد، چون به‌نوعی زن را می‌خرد. وقتی حس مالکیت در مرد به وجود می‌آید، به خود حق می‌دهد تا همان رفتاری را بکند که پیش از این در مورد رها کردن خشم به فرزندان عرض کردم. او مالک و رئیس است، پس حق دارد. البته این فقط مردها نیستند که خشن هستند بلکه ما زن خشن نیز داریم، اما نسبت آنها کمتر از مردان است. خشونت‌ی که زنان نشان می‌دهند، بیشتر کلامی است که موجب تحقیر مردان می‌شود.

در بخش‌هایی از فیلم به ماهواره و فضای مجازی اشاره کرده‌اید اما زیاد به تاثیر آنها نپرداختید؟

قطعاً روی تربیت و رفتار اقشار خاصی تاثیر گذاشته است، اما نه به آن اندازه که رسانه‌ها و فضای مجازی و تلویزیون اعلام می‌کنند. طبعاً ماهواره به تنهایی نمی‌تواند علت اصلی رفتارهای غلط باشد اما می‌تواند تشدیدکننده باشد.

دوست ملی (ماهواره الوند) که نقش آن را السا فیروزآذر بازی می‌کند به جای مبارزه با خشونت و یا فرار از آن به سمت رابطه با فردی دیگر حرکت می‌کند و به نوعی خیانت کرده است؟

معتقد نیستم که شخصیت نیر خیانت می‌کند. او زن زیبا و جوانی است که از محیط خشن و نامن خانواده‌ی خود فرار می‌کند و همسری اختیار می‌کند که خشن نباشد. اما همسر او گرچه برایش خانه ساخته است، اما قابلیت برآورده کردن نیازهای جنسی و عاطفی او را ندارد. از آنجا که نیر هم اتکا به نفس و آگاهی کافی در امور اجتماعی ندارد، در جهت پاسخ دادن به نیازهای خود، به زن و فرزند معشوقش، جفا و به‌نوعی خشونت روا می‌دارد که در عرف اجتماعی نامش خیانت است. عمل او گرچه به‌شدت آسیب‌زا است، اما قابل تأمل است.

متأسفانه از این قبیل ارتباطات مخرب در خانواده‌هایی که تنها با یکدیگر و در یک دایره بسته معاشرت می‌کنند، به‌وفور دیده می‌شود اما عزمی وجود دارد که حرفی از آن زده نشود و این قبیل فجایع انکار شود!

شماره تماسی که در فیلم نشان می‌دهید و خانه امن آیا واقعا وجود دارد؟

بله واقعی است. خانه امن یک NGO است که به زنان خشونت دیده و در معرض خشونت کمک‌های حقوقی می‌کند. این مرکز توسط تعدادی از متخصصان حقوقی و روانی با هدف کمک به بهبود جامعه شکل گرفته است. این افراد، چشمداشت مالی ندارند و در جهت سلامت جامعه، مشاوره رایگان می‌دهند. از آنجا که مراجعه‌کننده دیدار حضوری با این مشاوران ندارد، به‌سادگی مسائل خصوصی خود را با آنها در میان می‌گذارد و مشاوره می‌گیرد. جالب است بدانید نام آقای ریسی که در فیلم به ملی مشاوره می‌دهد، نام حقوقدانی است از اعضای خانه امن، که با تماسی که با ایشان داشتم، مشاور حقوقی فیلمنامه شدند.

منبع: خبرگزاری ایلنا